غربت روح در غزلیات شمس

محبوبه شيراني *,85,

چکیده انسان جدا شده از مبدأ هستی و هبوط کرده به میکدهی دنیا (سیر نزولی)، بعد از بیدار شدن از راههای مختلف در صدد سیر صعودی روح برآمده است و در این مسیر از تعابیر گوناگونی داستان سفر نزولی و صعودی روح را بیان کرده است. واژهی «روح»از واژههای پر رمـز و راز و ابهام‌آمیز در حوزه‌های دین، فلسفه، عرفان و روان‌شناسی است. آنچه مسلم است، روح یک قالب معنوی در زیر لایهی مادی جسم آدمی است که اهمیت وجودی انسان را تشکیل میدهد. جلالالدین محمد بلخی معروف به مولانا از جمله عارف – شاعرانی است که در تجربهی معرفتی خود از سفر نزولی و صعودی روح بارها با تعابیر گوناگون سخن گفته است. این پایاننامه با هدف استخراج و شناساندن این تعابیر نوشته شده است. تحقیق با مراجعه به دیوان شمس – غزلیات شمس- و با روش توصیفی – تحلیلی انجام گرفت و نتایج به دست آمده نشان داد که مولوی بارها از سفر روح با تعابیر پرنده، غربت روح، سیمرغ و من یاد کردهاست. واژههای کلیدی: مولوی، کلیات شمس، غربت روح، آفرینش.

کلمات کلیدی : واژههای کلیدی: مولوی، کلیات شمس، غربت روح، آفرینش.

Islamic Azad University, Rasht Branch - Thesis Database
دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت - سامانه بانک اطلاعات پایان نامه ها